

بازخوانی حادثه ترور شاه در کاخ مرمر

۲۳ فروردین ۱۳۹۴ ساعت ۱۷:۵۷

محمد رضاشاه پهلوی در طول دوران زندگی خود دو بار مورد سوء قصد قرار گرفت که در هردوی این سوء قصدها جان سالم به در برد با این تفاوت که هر کدام از این سوء قصدها تاثیرات و نتایج متفاوتی را در پی داشت. علاوه براین با وجود دلایلی که بر واقعی بودن این ترور ها ارائه گردیده، اما رژیم نیز از این ترور ها به بهترین نحو برای پیش برد اهداف خود بهره برد.

۲۱ فروردین سالروز یک حادثه مهم و تاثیر گذار در تاریخ معاصر ایران است. در این روز شاه در کاخ مرمر مورد سوء قصد قرار گرفت و به واسطه اهمیت این واقعه در این مطلب سعی می شود نگاه جدیدی به تاثیرات این رخداد در تاریخ معاصر داشته باشیم.

مفهوم ترور در دل هر فرهنگ و چارچوب سیاسی و اجتماعی مشخصی یک احساس خاص را به مخاطبین القا می کند. درواقع می توان گفت که در هر جامعه ای مفهوم ترور برای خود مخاطبانی را در نظر می گیرد و با توجه به آن مخاطبان و حذف شخص مورد نظر پیام خود را اعلام می کند. این پیام که عموماً و غالباً دربرگیرنده یک مفهوم سیاسی است در هر جمع و جامعه ای تاثیرات خاص خود را به همراه دارد.

بدون شک مصداق عمل ترور و تروریسم از زمان شکل گیری اولین اجتماعات انسانی بر روی این کره خاکی وجود داشته است اما به نظر بسیاری از مورخان اولین بار در تاریخ ایران و شاید هم جهان این اسماعیلیان بودند که برای نخستین بار از حربه ترور برای حذف مخالفان استفاده کردند و در این راستا شخصیت های سیاسی زیادی را به کام مرگ کشاندند.

به هر حال با ورود این مفهوم به حیات سیاسی و اجتماعی ایرانیان از آن زمان تاکنون به ویژه در تاریخ معاصر ما بحث ترور اشخاص سیاسی کشور به یکی از تاثیرگذارترین و پر مناقشه ترین مباحث حیات فکری و سیاسی ما تبدیل شده است. برای نمونه می توان به رزم آرا اشاره کرد با وجود اینکه زمان زیادی از این واقعه نگذشته است اما این مسئله همچنان در هاله ای ابهام است و برای محققان به عنوان یک سوژه تاریخی مسئله ای حل نشده قلمداد می شود.

یکی از مهمترین ترورهای تاریخ سیاسی کشور مربوط به ترور نافرجام محمد رضا شاه پهلوی در کاخ مرمر است که با وجود اهمیت بالای این واقعه خیلی مورد توجه محققان قرار نگرفته است، این موضوع در حالی است که این اتفاق یکی از تاثیر گذارترین موضوعات تاریخ معاصر ماست و باید بیشتر مورد توجه قرار گیرد.

محمد رضاشاه پهلوی در طول دوران زندگی خود دو بار مورد سوء قصد قرار گرفت که در هردوی این سوء قصدها جان سالم به در برد با این تفاوت که به دنبال هر کدام از این سوء قصدها تاثیرات و نتایج متفاوتی را در پی داشت. ترور اول شاه سال ۱۳۲۷ روبروی درب دانشگاه تهران اتفاق افتاد که نتایج و تاثیرات زیادی مانند سرکوب بی محابای مخالفان مانند حزب توده را در پی داشت و واقعه دوم هم مربوط به سال ۱۳۴۴ بود که به نوبه خود اهمیت و تاثیرات زیادی را در دهه چهل به جا گذاشت.

به این مسئله باید توجه داشت که این حرکت علیه یک شخصیت سیاسی دسته دوم یا سوم نبود بلکه شخص اول یک نظام سیاسی که با توجه به ماهیت دیکتاتوری آن کشور، اساس حیات و بقای کشور به آن شخص مربوط می شد می توان پی برد که اگر این ترور موفق می شد، چه اتفاقات غیر قابل پیش بینی می توانست رخ دهد. اما از آنجایی که در تاریخ «اگر» واژه ای بی معناست سعی می شود به تاثیرات واقعی و عینی این حادثه در تاریخ معاصر توجه شود.

این سوء قصد که ساعت ۹ صبح روز ۲۱ فروردین ۱۳۴۴ در کاخ مرمر روی داد در شرایطی اتفاق افتاد که تنها ۲ ماه از ترور حسن علی منصور از سوی نیروهای مذهبی تحت حمایت و رهبری امام خمینی یعنی فداییان اسلام گذشته بود و هنوز جامعه و تحلیل گران از این واقعه بهت زده بودند و انتظار اتفاقی مشابه آن هم علیه یک شخص اول مملکت را نداشتند، به همین جهت هضم این موضوع برای بسیاری از تحلیل گران و خبرگزاری ها سخت بود.

این مسئله باعث شد که بسیاری از خبرگزاری های آن زمان در اشاعه این خبر یا تعلل به خرج دهند و یا رویکردی مشوش و پرابهام به مسئله داشته باشند که در نهایت به گزارشات متملقانه و چاپلوس منشرانه ختم می شد. این سراسیمگی که حتی در میان ساواک کاملاً مشهود بود، برای پی بردن به این موضوع به راحتی می توان به روزنامه های آن زمان و اسناد منتشر شده ساواک مراجعه و وضعیت گفته شده را مشاهده کرد.

حادثه مزبور نخستین بار به صورت زیر منعکس شد: «ساعت ۹ صبح روز گذشته هنگامی که اعلیحضرت همایون شاهنشاه به دفتر کار خود در کاخ مرمر نزول اجلال می فرمایند سرباز وظیفه ای با تهدید و تیر اندازی به سرسرای کاخ وارد می شود و بلافاصله توسط دو نفر از مامورین کشته می شود. در این جریان دو مامور شهید و یک باغبان و یک پیش خدمت زخمی می شوند و چون ضارب به قتل رسیده تحقیقات ادامه دارد که روشن گردد آیا ضارب عمداً دست به این عمل زده یا جنون آنی بوده است.» [۱]

علت عدم صریح جزئیات به این موضوع باز می گشت که رژیم در مقابل این اتفاق در گنجی به سر می برد و سازمان های امنیتی مانند ساواک و رکن دوم ارتش کاملاً بی اطلاع از موضوع به کم کاری و ناکارآمدی متهم شده بودند، به همین جهت تمام تلاش خود را می کردند تا با مبهم کردن فضا متهمانی را برای این اتفاق دست و پا کنند که در نهایت افرادی را با مشی کمونیستی

دستگیر و محاکمه کردند که بعداً مشخص شد این افراد ربطی به موضوع نداشته است. به همین جهت بعد از چند سال همگی آزاد شدند. بنابراین می توان گفت دستگاه امنیتی شاه در این ماجرا کاملاً بی اعتبار شد و حتی نتوانست ریشه های سوء قصد را به طور کامل روشن کند.

تاثیرات سوء قصد به شاه

فارغ از اینکه ماهیت سوء قصد کننده چه بود و با چه انگیزه ای این کار را انجام داده بود، می توان از تاثیرات مهم این واقعه در سالهای بعد از آن به نکات مهمی اشاره کرد.

فردای روز ترور روزنامه ها شروع به تملق و دعا برای حفظ جان شاه کردند و برای نزدیکتر شدن به شاه در این کار از همدیگر سبقت می گرفتند. روزنامه اطلاعات در یکی از شماره های خود در این راستا گفت: «آن پادشاهی که معتقد است به یک مأموریت خدائی برگزیده شده نیاز به محافظ و دربان و حاجب ندارد زیرا جان او را قدرتی مافوق اینها نگه می دارد اما در عین حال انتظار مردم این است که شاهنشاه برای محافظت وجود خویش اهمیت بیشتری قائل شوند و سرنوشت ملتی را منحصر به تقدیر نسپارند گرچه این تقدیر نیست که نگهدار شاه است، مشیت الهی و خواست خدائی است که شاه در نیات خود همواره متوکل و متکی به اوست» [۲]

اینگونه تعریفات و تحریفات، شدت توهمات و انگاره های ذهنی او را نسبت به الهی بودن شخصیت او افزایش داد که این مسئله باعث شد در تغییرات اجتماعی دهه ۴۰ و ۵۰ او بدون توجه به مشاوره ها و نظرات کارشناسان پروژه های شخصی و فردی خود را به شکل مستبدانه ای پیش ببرد. درواقع بعد از این دوران بود که شاه مدام در مقابل خبرنگاران خارجی از حمایت نیروهای الهی در اجرای برنامه های خود یاد می کرد.

از دیگر تاثیرات مهم سوء قصد به جان شاه در کاخ مرمر، باز شدن فضا برای ورود نیروهای آمریکایی و اسرائیلی به بهانه تربیت بهتر نیروهای امنیتی و گارد حفاظتی شاه بود. درواقع این نیروها خیلی پیش تر یعنی در اواسط دهه ۳۰ وارد فضای امنیتی کشور شده بودند اما بعد از اتفاق کاخ مرمر دست خود را برای نفوذ بیشتر بازتر دیدند و هزینه های زیادی در جهت حفظ امنیت اطراف شاه صرف این نیروها شد.

از دیگر تاثیرات مهم این واقعه باید به زمینه سازی و انگیزه دادن به نیروها و جریان هایی دانست که بعدها در غالب مبارزات مسلحانه شکل گرفتند. در واقع این موضوع تاکنون خیلی مورد توجه مورخان و محققان قرار نگرفته که آن دسته از جوانانی که در اوایل دهه چهل به سمت مبارزات مسلحانه سوق پیدا کردند در مقابل حادثه سوء قصد به شاه چه عکس العملی از خود نشان

دادند. اما به طور قطع استفاده از سلاح و ترور که بعدها از سوی گروههایی مانند فداییان خلق و مجاهدین به کار برده شد، این مسئله را مورد توجه قرار داده و از اینکه یک سرباز ساده به این راحتی توانسته بدنه سیاسی یک کشور را به لرزه درآورد قطعاً استقبال می کردند.

هر چند در نهایت مشخص شد که همین موضوع ساده به چه میزان باعث شد که فاصله شاه با مردم افزایش یابد و به دلیل ترس شاه و گارد حفاظت او برخورد مستقیم او و مردم کاملاً از بین رفت و این خود یکی از مشکلات عمیق ساختار قدرت در زمان رژیم محمد رضا شاه پهلوی بود که در دهه های ۴۰ و ۵۰ افزایش یافت.

منابع:

ترور شاه(حادثه کاخ مرمر)،مرکز اسناد تاریخی وزارت اطلاعاتتهران، دی ماه ۱۳۸۷

۱.روزنامه اطلاعات ۲۶/۱/۱۳۴۴

۲.روزنامه اطلاعات ۲/۲/۱۳۴۴

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/۳۰۰۵۷/مرمر-کاخ-شاه-ترور-حادثه-بازخوانی>